

مطالعه تطبیقی نهاد «جرائم مرتبط» در حقوق کیفری ایران، مصر و عراق

محمدرضا عبدیان • دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

mr.abdiant1372@gmail.com

(نویسنده مسئول)

محمدجعفر حبیب‌زاده • استاد، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

habibzam@modares.ac.ir

محمود صابر • دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

m.saber@modares.ac.ir

چکیده

یکی از انواع تعدد مادی جرم، حالتی است که به دلیل پیوستگی و ارتباط تجزیه‌ناپذیر چند عمل مجرمانه با یکدیگر، یک فرد همه آن جرائم را مرتکب می‌شود. برای نمونه در جرم «قاچاق»، «حمل کالای قاچاق» جزء جدایی‌ناپذیر برای تحقق این جرم است. چنین وضعیتی که اصطلاحاً بدان «جرائم مرتبط» گفته می‌شود، در نظام‌های حقوقی برخی کشورهای عربی مانند مصر و عراق مورد توجه قرار گرفته و مقررات خاصی برای آن پیش‌بینی شده است؛ درحالی‌که این وضعیت در قوانین ایران فاقد حکم صریح است و رویه قضایی نیز در این مورد نظر قاطعی ارائه نداده است. لذا پرسش نوشتار پیش‌رو این است که آیا با استفاده از تجارب حقوقی کشورهای مصر و عراق، می‌توان حکم جرائم مرتبط را در نظام حقوقی ایران تعیین کرد؟ در این مقاله، با روش توصیفی تحلیلی و با بررسی قوانین موضوعه، دکتترین حقوقی و رویه قضایی این کشورها و تطبیق نتایج با دکتترین حقوق کیفری ایران و خلا‌های موجود، این نتیجه حاصل گردید که با الگوبرداری از نظام حقوقی مصر و عراق، می‌توان نهاد «جرائم مرتبط» را در حقوق کیفری ایران تدوین نمود. بر اساس الگوی پیشنهادی، جرائمی که دارای وحدت هدف بوده و ارتکاب یکی، لازمه تحقق دیگری است (ارتباط تجزیه‌ناپذیر)، باید «مرتبط» تلقی شوند و صرفاً مجازات جرم اشد اعمال شود.

واژگان کلیدی: تعدد جرم، تعدد مادی جرم، جرائم مرتبط، تداخل مجازات.



گاهی فردی مرتکب چندین رفتار مجرمانه می‌شود که هر یک از آنها به تنهایی بزه مستقل محسوب می‌شوند؛ لیکن نسبت به آن‌ها حکم قطعی صادر نشده است. این وضعیت در حقوق کیفری به «تعدد مادی یا واقعی جرم» معروف است. در این حالت، ممکن است بین جرائم ارتكابی ارتباط خاصی وجود نداشته باشد یا پیوند آن‌ها بسیار ضعیف باشد؛ مانند حالتی که شخصی مرتکب چندین سرقت تعزیری و نیز کلاهبرداری نسبت به اشخاص مختلف می‌شود.

گاه مجموعه‌ای از رفتارهای مجرمانه یک شخص چنان به هم پیوسته و درهم تنیده است که در ظاهر امر یک رفتار واحد به نظر می‌رسد و تفکیک این رفتارها از یکدیگر، از نظر حقوقی و عملی دشوار است. برای مثال، اگر فردی برای مصرف شخصی خود، اقدام به تهیه مواد مخدر کند، در عمل مرتکب دو جرم "تهیه مواد مخدر" و "استعمال مواد مخدر" شده است. هم‌چنین سارقی که برای سرقت وارد منزل دیگری می‌شود و مال او را می‌رباید نیز مرتکب جرم "ورود غیر مجاز به منزل غیر" و "سرقت" شده است. فردی که ضمن شنود غیرمجاز ارتباطات دیگری، به داده‌های حفاظت‌شده او دسترسی پیدا می‌کند نیز همین‌طور. این اقدامات نمونه‌هایی هستند که به دلیل داشتن هدف و نتیجه نهایی مشترک، مجموعه آن‌ها یک پرونده مجرمانه واحد محسوب می‌شوند. این نوع جرائم، در حقوق کیفری با عنوان «جرائم مرتبط» شناخته می‌شوند (محسنی، ۱۳۷۸: ۳۲۸؛ افراسیابی، ۱۳۹۷: ۴۲۷؛ نوربها، ۱۴۰۲: ۱۷۶؛ باهری، ۱۴۰۱: ۳۷۸؛ علی آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۶؛ آخوندی، ۱۳۹۴: ۲۵۳؛ زراعت، ۱۴۰۰: ۳۷۲؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۹۵: ۳۳).

اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که به رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف به این پدیده توجه کنیم. در نظام حقوقی کشورهای نظیر مصر و عراق، نهاد «جرائم مرتبط» به صراحت در قوانین جزایی (ذیل بند ۲ ماده ۳۲ قانون مجازات مصر و ماده ۱۴۲ قانون مجازات عراق) به رسمیت شناخته شده و قواعد خاصی برای کیفردهی آن‌ها، متفاوت از قواعد عام تعدد مادی جرم، پیش‌بینی شده است. این در حالی است که در نظام حقوقی ایران، با وجود

سابقه تقنینی در ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و ماده ۲ قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۳۱۲، پس از انقلاب اسلامی این نهاد به صورت مستقل مورد قانون‌گذاری قرار نگرفته و با یک خلأ قانونی مواجه هستیم. همین تفاوت در رویکرد تقنینی، زمینه‌ساز اصلی این پژوهش تطبیقی برای یافتن پاسخی مناسب جهت رفع خلأ موجود در حقوق ایران است.

همین خلأ قانونی و ابهام ناشی از آن است که به‌رغم مشخص بودن چارچوب قواعد کلی تعدد جرم در نظام حقوقی ایران، وضعیت خاص «جرایم مرتبط» را همچنان نامشخص باقی گذاشته و پرسش‌های بنیادینی را به شرح زیر مطرح می‌سازد:

- ۱- ویژگی‌های متمایزکننده جرایم مرتبط نسبت به سایر انواع تعدد مادی چیست؟
 - ۲- چه سازکار مؤثری برای تعیین مجازات مرتکبان این نوع جرائم وجود دارد؟
 - ۳- آیا با بهره‌گیری از حقوق سایر کشورها از جمله مصر و عراق، می‌توان زمینه لازم برای پیش‌بینی و پذیرش جرایم مرتبط را در نظام حقوقی ایران فراهم کرد؟
- در این پژوهش مسئله اصلی آن است که «جرائم مرتبط» چه ویژگی یا ویژگی‌های بارزی نسبت به سایر مصادیق تعدد واقعی دارند و متناسب با آن، چه قاعده‌ای برای مجازات آنان باید اعمال گردد. برای دسترسی به پاسخ مناسب برای مسئله بالا، با اتخاذ رویکردی تطبیقی، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های حقوقی و همچنین مقررات کشورهای مصر و عراق مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفته است و با توجه به این‌که نظام حقوقی ایران نیز با این مفهوم بیگانه نبوده و پیشینه‌ای تقنینی در قبل از انقلاب اسلامی و نیز در دکتترین حقوقی و رویه قضایی دوران پسا انقلاب در این زمینه وجود دارد، در این مقاله به آن‌ها نیز توجه خواهد شد. برای این منظور، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی، ابتدا به تبیین مفهومی و بررسی نظام کیفردهی جرایم مرتبط در آرای حقوقدانان و مقررات کیفری کشورهای مصر و عراق می‌پردازد. سپس، سابقه تقنینی این مفهوم در قوانین پیشا انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های

حقوقدانان ایرانی مورد واکاوی قرار گرفته است و در نهایت، با استفاده از حقوق کشورهای مصر و عراق، تعریفی جامع و مانع از «جرایم مرتبط» ارائه شده و متنی پیشنهادی برای رفع خلأ قانونی در نظام حقوقی کیفری ایران ارائه می‌گردد.

در تبیین جایگاه نهاد «جرائم مرتبط»، ابتدا باید به رویکرد قانونی توجه داشت که مطالعه تطبیقی آن، بیانگر تفاوت آشکار میان نظام‌های حقوقی مورد بحث است؛ به گونه‌ای که قوانین کیفری مصر و عراق با شناسایی صریح این نهاد، چارچوبی مشخص برای آن تدوین کرده‌اند، اما حقوق کیفری ایران در وضعیت کنونی با سکوت و خلأ قانونی مواجه است. با این حال، در منظر نظری و برخلاف این سکوت تقنینی، حقوقدانان ایرانی، به تحلیل این موضوع پرداخته‌اند؛ که در ادامه، این دو ساحت به تفکیک بررسی خواهد شد.

۱- چارچوب قانونی

مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی مورد بحث، بیانگر تفاوت آشکار سیاست‌گذاری تقنینی در برخورد با نهاد «جرائم مرتبط» است؛ به گونه‌ای که در برابر نصوص صریح قوانین مصر و عراق، حقوق کیفری ایران با نوعی سکوت و خلأ قانونی مواجه است که در ادامه به تفکیک بررسی می‌شود..

۱-۱- مصر و عراق

نظام‌های حقوقی مصر و عراق، نهاد «جرائم مرتبط» را به عنوان یک وضعیت خاص از تعدد مادی جرم شناسایی کرده و برای آن احکام ویژه‌ای وضع نموده‌اند. این رویکرد تقنینی، سنگ بنای تحلیل‌های دکتربین و رویه‌های قضایی در این کشورهاست. در حقوق کیفری مصر، بند ۲ ماده ۳۲ قانون مجازات این کشور به صراحت به این موضوع پرداخته است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه چند جرم با هدف واحد ارتکاب یابد و این جرائم با یکدیگر مرتبط بوده، به گونه‌ای که غیرقابل تجزیه باشند، باید تمام این جرائم را جرم واحد در نظر گرفت و مجازات مقرر برای شدیدترین جرم از میان آن‌ها اعمال گردد». در حقوق عراق نیز، قانون‌گذار رویکرد مشابهی اتخاذ کرده و در ماده ۱۴۲ قانون مجازات، وضعیت جرائم مرتبط را پیش‌بینی کرده است. این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه چند جرم که نتیجه افعال متعددی هستند، به وقوع بپیوندند و این جرائم با یکدیگر مرتبط بوده، به گونه‌ای که این ارتباط غیرقابل

تجزیه باشد و وحدت هدف، این جرایم را در کنار یکدیگر جمع نماید، در این صورت، باید حکم به مجازات هر یک از جرایم داده شود و شدیدترین مجازات اجرا شود.» بنابراین، همانطور که ملاحظه می‌شود، در هر دو کشور یک مبنای قانونی روشن برای تفکیک جرائم مرتبط از سایر مصادیق تعدد مادی وجود دارد.

تحلیل دقیق‌تر این مواد قانونی، ارکان مشترک و همچنین تفاوت‌های ظریف در سیاست کیفری دو کشور را آشکار می‌سازد. قانون‌گذاران هر دو کشور تحقق جرائم مرتبط را منوط به دو شرط اساسی کرده‌اند: «ارتباط غیرقابل تجزیه» و «وحدت هدف». با وجود این اشتراک، نحوه کیفردهی و صدور حکم نهایی در این دو نظام حقوقی متفاوت است.

در نظام حقوقی مصر، هنگامی که این دو شرط محقق شوند، تمامی جرایم به عنوان یک جرم واحد محسوب شده و تنها مجازات مقرر برای شدیدترین جرم اجرا می‌شود؛ بنابراین متهم صرفاً به یک مجازات محکوم و تنها همان مجازات اجرا می‌شود. در عین حال قاضی الزامی به تعیین حداکثر مجازات شدیدترین جرم ندارد و می‌تواند حداقل مجازات اشد را نیز اعمال کند.

در مقابل، مطابق ماده ۱۴۲ قانون مجازات عراق، هرگاه چند جرم که ناشی از افعال متعدد و با وحدت هدف و ارتباط غیرقابل تجزیه هستند ارتکاب یابند، دادگاه موظف است متهم را برای هر یک از این جرایم به مجازات مستقل محکوم نماید، اما در نهایت، تنها شدیدترین مجازات صادر شده اجرا می‌شود. در نتیجه، تفاوت اصلی این دو نظام حقوقی در حکم صادره نهفته است: نظام مصر جرایم مرتبط را جرم واحد محسوب و فقط یک حکم (شدیدترین) صادر و اجرا می‌کند، اما در عراق همه جرایم را مستقل شمرده و برای همه، حکم صادر می‌شود، هرچند در نهایت فقط شدیدترین مجازات اجرا می‌گردد.

قانون‌گذار کیفری عراق احکام جرائم متعدد غیر مرتبط را در بند اول ماده (۱۴۳) قانون مجازات به این شرح بیان کرده است: «چنانچه فردی چندین جرم مرتکب شود که هیچ‌گونه ارتباطی میان آن‌ها وجود نداشته باشد و نیز وحدت قصد میان آن‌ها احراز نگردد و پیش از آنکه در خصوص هیچ‌کدام از این جرایم، علیه او حکمی صادر شده باشد باید برای هر یک از جرایم، مجازات مقرر قانونی تعیین گردد و تمامی آن مجازات‌ها به ترتیب اجرا شود. مشروط بر آنکه مجموع مدت حبس یا زندان قابل اجرا یا مجموع مدت حبس و زندان با هم، از بیست و پنج سال تجاوز نکند.»^۱ مانند وقتی که مرتکب در یک روز سرقت و در روز دیگر آدم‌ربایی می‌کند.

ماده (۳۶) قانون مجازات مصر با همین معنا و با اندکی تغییر جزئی مقرر می‌دارد: «هرگاه شخصی مرتکب جرایم متعددی شود که در خصوص هیچ یک از این جرایم حکمی صادر نشده است، مدت اعمال شاقه موقت، نباید بیش از (۲۰) سال باشد. مدت زندان یا مدت زندان و حبس با یکدیگر نباید بیش از (۲۰) سال باشد و همچنین مدت حبس نباید بیش از (۶) سال باشد.»^۲ چنانچه ملاحظه می‌شود، در این صورت، قواعد عام تعدد مادی جرم بر مرتکب بار می‌شود.

۱. «إذا ارتكب شخص عدة جرائم ليست مرتبطة ببعضها ولا تجمع بينها وحدة الغرض قبل الحكم عليه من أجل واحدة منها، حكم عليه بالعقوبة المقررة لكل منها ونفذت جميع العقوبات عليه بالتعاقب على أن لا يزيد مجموع مدد السجن أو الحبس التي تنفذ عليه أو مجموع مدد السجن والحبس معاً على خمس وعشرين سنة» توضیح تفاوت این دو واژه در نظام کیفری عراق ضروری است. این دو، انواع مختلفی از مجازات سالب آزادی هستند که بر اساس شدت جرم (جنایت یا جنحه) تفکیک می‌شوند.

الف) السجن (زندان/حبس جنایی): این مجازات شدیدتر است و مطابق قانون مجازات عراق، منحصرأ برای جرایم نوع «جنایت» (الجنایات) در نظر گرفته شده است. ماده ۸۷ این قانون، «السجن» را به دو نوع تقسیم می‌کند: ۱. حبس ابد (السجن المؤبد)؛ ۲. حبس موقت (السجن المؤقت) که مدت آن بیش از پنج سال تا پانزده سال است.

ب) الحبس (حبس/حبس جنحه‌ای): این مجازات خفیف‌تر است و به جرایم نوع «جنحه» (الجنح) اختصاص دارد. مطابق مواد ۸۸ و ۸۹، «الحبس» خود به دو درجه تقسیم می‌شود: ۱. حبس شدید (الحبس الشدید) که مدت آن بیش از سه ماه تا پنج سال است؛ ۲. حبس ساده (الحبس البسیط) که مدت آن از بیست و چهار ساعت تا سه سال است.

بنابراین، زمانی که ماده ۱۴۳ به «مجموع مدد السجن أو الحبس» اشاره می‌کند، منظور آن است که سقف ۲۵ سال، هم برای مجازات‌های زندان ناشی از ارتکاب جنایات و هم برای مجازات‌های حبس ناشی از ارتکاب جنحه‌ها اعمال می‌شود.

۲. «إذا ارتكب شخص جرائم متعددة قبل الحكم عليه من أجل واحدة منها وجب أن لا تزيد مدة السجن المشدد على عشرين سنة ولو في حالة تعدد العقوبات وأن لا تزيد مدة السجن أو مدة السجن والحبس على عشرين سنة وأن لا تزيد مدة الحبس وحده على ست سنين» در حقوق مصر نیز ساختار مشابهی برای تفکیک مجازات‌های سالب آزادی حاکم است. «السجن» (شامل السجن المشدد و السجن عادی) مجازات اصلی برای جرایم نوع «جنایت» (الجنایات) است که مدت آن طبق مواد ۱۴ و ۱۶ قانون مجازات این کشور، از ۳ تا ۱۵ سال می‌باشد. در مقابل، «الحبس» مجازات اصلی جرایم نوع «جنحه» (الجنح) است که مطابق ماده ۱۸، مدت آن بین ۲۴ ساعت تا ۳ سال است. بنابراین، قانون‌گذار در این ماده نیز با تفکیک این دو، سقف‌های متفاوتی را برای هر یک و برای مجموع آن‌ها در حالت تعدد جرم در نظر گرفته است.

بنا بر آنچه گذشت، در قوانین این دو کشور، معیار عدم تشدید برای تعیین مجازات جرایم مرتبط مورد پذیرش قرار گرفته است. توضیح بیشتر آنکه به طور معمول، سیاست تشدید در تعدد مادی، از طریق «قاعده جمع مجازات‌ها» (مانند آنچه در مواد ۱۴۳ عراق و ۳۶ مصر برای جرایم غیرمرتبط پیش‌بینی شده) اعمال می‌گردد که منجر به اجرای پیاپی چندین مجازات بر مرتکب می‌شود. در مقابل، در خصوص جرایم مرتبط، از این قاعده (جمع مجازات‌ها) عدول کرده و اگرچه مرتکب را با مجازات مقرر برای شدیدترین جرم در حقوق مصر و شدیدترین مجازات در حقوق عراق مواجه می‌کند، اما از منظر فنی و در مقایسه با قاعده جمع، یک سیاست کیفری غیرمشدد (یا ارفاقی) تلقی می‌شود؛ زیرا مانع از انباشت و اجرای تمامی مجازات‌ها می‌گردد. دلیل این ارفاق، همانطور که یکی از حقوقدانان (نجیب حسنی، ۲۰۱۷: ۹۹۵) بیان کرده است، این است که وقتی جرایم متعدد با هدف واحد و ارتباط غیرقابل تجزیه ارتکاب می‌یابند، در حقیقت یک «طرح مجرمانه واحد» را شکل می‌دهند. در چنین وضعیتی، تحمیل مجازات‌های متعدد بر مرتکب، خلاف عدالت قضایی است. موضوعی که احکام دیوان عالی کشور مصر نیز آن را تایید می‌کند.^۱

۲-۱- ایران

نخستین بار قانون‌گذار ایران در ماده (۳۲) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ جرایم مرتبط را مورد حکم قرار داد. به موجب ماده مذکور: «اگر چند جرم برای یک مقصود واقع شده و مربوط به هم باشد یا این که برخی از آن‌ها مقدمه یا جزء دیگری بوده یا از هم تفکیک نشوند، تمام آنها یک جرم محسوب و مجازات جرمی داده می‌شود که مجازات آن اشد است». تحلیل این ماده نشان می‌دهد که قانونگذار با ایجاد یک فرض حقوقی کلیدی، یعنی «یک جرم محسوب شدن» جرایم متعدد، دادگاه را از اعمال قاعده تعدد مادی معاف کرده و به اعمال مجازات جرم اشد

^۱. نقض ۱۹۷۳/۰۲/۰۵ احکام النقض س ۱۴ ق ۲۸ ص ۱۲۰؛ نقض ۱۹۷۰/۰۳/۰۲ احکام النقض س ۲۱ ق ۸۲ ص ۳۳۰؛ نقض ۱۹۷۰/۰۱/۱۸ احکام النقض س ۲۱ ق ۲۹ ص ۱۲۰؛ نقض ۱۹۸۰/۰۴/۰۲ احکام النقض س ۳۱ ص ۴۷۴.

اکتفا می نمود. این رویکرد که به وضوح ملهم از حقوق جزای فرانسه و به ویژه قانون تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ آن کشور است، برای نخستین بار سیاست کیفری منسجمی را در قبال جرایم مرتبط پایه ریزی کرد. ابهاماتی که در تشخیص مصادیق جرایم مرتبط و نحوه تعیین و تشخیص «مجازات اشد» وجود داشت،^۱ قانونگذار را بر آن داشت تا با چرخشی کامل در سیاست کیفری خود، رویکرد پیشین را کنار بگذارد. این تحول با تصویب ماده ۳ «قانون متمم اصول محاکمات جزایی» در سال ۱۳۱۲ به وقوع پیوست که به صراحت مواد ۳۲ و ۳۳ قانون جزای عمومی را نسخ و ماده ۲ همان قانون را جایگزین آن نمود. ماده (۲) قانون متمم اصول محاکمات جزایی با اشاره اجمالی به احکام جرایم مرتبط، مقرر می داشت: «اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد، محکمه برای هر یک از آن اعمال، حکم مجازات علی حده صادر خواهد کرد، ولو اینکه مجموع آن اعمال به موجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه دیگری باشد. در صورتی که فرد فرداً اعمال ارتكابه جرم بوده، بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد، محکمه باید حداکثر مجازات مقرر را معین نماید. در صورتی که فرد فرداً آن اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد، محکمه باید برای هر یک از آن اعمال مجازات علی حده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. در هر یک از موارد فوق، فقط مجازات اشد به موقع اجرا گذارده می شود».

تحلیل ماده ۲ قانون متمم اصول محاکمات جزایی (۱۳۱۲) نشان دهنده یک تغییر بنیادین در رویکرد قانونگذار نسبت به سلف خود، یعنی ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی (۱۳۰۴) است. بر خلاف قانون ۱۳۰۴ که با ایجاد یک «فرض حقوقی»، جرایم مرتبط را «یک جرم» تلقی می کرد، قانون جدید این فرض را کنار گذاشت. رویکرد ماده ۲، یک راهکار دو مرحله ای بود: (۱) در مرحله صدور رأی، دادگاه مکلف بود برای هر یک از جرایم ارتكابی، حتی اگر مقدمه دیگری باشند، حکم مجازات مستقل (علی حده) صادر کند؛ (۲) در مرحله اجرا، صرفاً مجازات اشد به

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص ابهامات ماده ۳۲، بنگرید به: محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، جلد سوم، انتشارات گنج دانش، بخش تاریخچه و مبانی تعدد جرم

موقع اجرا گذاشته می‌شد. بدین ترتیب، سیاست کیفری از «وحدت جرم» به «وحدت مجازات در مقام اجرا» تغییر یافت.

این تغییر دقیقاً برای رفع ابهامات قانون ۱۳۰۴ صورت گرفت. در آن قانون، معیارهای کلی مانند «ارتباط» (مربوط به هم) و «قصد واحد» (برای یک مقصود) به صراحت ذکر شده بود، اما ابهام در مصادیق و نحوه احراز آن‌ها، زمینه را برای تفاسیر قضایی متفاوت فراهم کرده بود. به همین دلیل، ماده ۳۲ به موجب ماده ۳ قانون متمم اصول محاکمات جزایی در سال ۱۳۱۲ نسخ شد و ماده ۲ جایگزین آن گردید.

با این تفکیک، مقایسه با حقوق مصر و عراق نیز باید به صورت مجزا صورت گیرد. می‌توان گفت رویکرد قانون ۱۳۰۴ ایران، با تأکید بر معیارهای ماهوی مانند «قصد واحد» و «ارتباط»، شباهت مفهومی بیشتری به قوانین مصر و عراق داشت که آن‌ها نیز بر «هدف واحد» و «ارتباط تجزیه‌ناپذیر» استوارند. اما قانون ۱۳۱۲ ایران با حذف این معیارها و ارائه یک قاعده اجرایی کلی، از آن مدل فاصله گرفت و راهکار متفاوتی را برگزید. به اعتقاد یکی از حقوقدانان (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۳۵۰-۳۵۱)، قانونگذار با نسخ ماده ۳۲، به جای رفع ابهامات، تأسیس حقوقی مترقی «ارتباط جرایم» را به کلی از نظام کیفری حذف نمود و با الزام دادگاه به صدور حکم برای هر جرم به صورت مستقل، حتی جرایم مقدماتی، منطق حاکم بر وحدت نقشه مجرمانه را نادیده گرفت.

رویکرد شکل‌گرایانه مصوب ۱۳۱۲ برای دهه‌ها بر نظام کیفری ایران حاکم بود تا اینکه قانون مجازات عمومی اصلاحی مصوب ۱۳۵۲، تحول نهایی را در این زمینه رقم زد. ماده ۳۲ این قانون، ضمن ارائه یک قاعده جامع و جدید برای تعدد جرم، به طور کامل در مورد نهاد «جرایم مرتبط» سکوت اختیار کرد. این ماده مقرر می‌داشت که در صورت ارتکاب جرایم متعدد، اگر تعداد آن‌ها تا سه جرم باشد، دادگاه مکلف است برای هر جرم حداکثر مجازات قانونی را تعیین کند و اگر بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر قانونی تا نصف آن تشدید

نماید. نکته کلیدی این بود که در نهایت، «فقط مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته می‌شود» و در صورت وجود شرایط تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات را تا حداقل قانونی جرم بعدی تقلیل دهد. همانطور که از مفاد این ماده برمی‌آید، قانونگذار با ارائه یک فرمول ریاضی دقیق برای تشدید مجازات بر اساس تعداد جرایم و سپس اجرای مجازات اشد، هیچ تفاوتی میان جرایم مرتبط و غیرمرتبط قائل نشد. این سکوت تقنینی، به معنای حذف کامل این تأسیس حقوقی از نظام کیفری ایران بود و بدین ترتیب، آخرین بازمانده‌های تفکیک میان جرایم مرتبط و غیرمرتبط نیز از میان برداشته شد و کلیه جرایم متعدد، فارغ از ارتباط منطقی میان آن‌ها، مشمول یک قاعده واحد قرار گرفتند. این خلأ قانونی تا زمان تصویب قوانین کیفری پس از انقلاب ادامه یافت و تاکنون حکم صریحی به صورت یک قاعده عام در قانون مجازات اسلامی در این خصوص نیامده است.

با وجود این خلأ در زمینه ارائه یک قاعده عمومی، نباید چنین پنداشت که مقنن کیفری پس از انقلاب اسلامی به کلی از مفهوم ارتباط میان جرایم غفلت ورزیده است. برعکس، بررسی قوانین جزایی نشان می‌دهد که قانونگذار در موارد متعددی به صورت موردی به برخی از حالات ارتباط میان جرایم پرداخته است. این ارتباط، فارغ از انطباق دقیق با تعریف نظری «جرایم مرتبط» که مستلزم درجه بالایی از تجزیه‌ناپذیری است، نشان‌دهنده التفات قانونگذار به پیوند میان برخی رفتارها و ضرورت اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی نسبت به قواعد عام تعدد مادی است. این رویکرد افتراقی در جرایم تعزیری، حدود و قصاص، منجر به اتخاذ راهکارهای متفاوتی از قبیل تشدید مجازات در قالب یک جرم واحد، حکم صریح به جمع مجازات‌ها، یا اعمال قاعده تداخل شده است که در ادامه به بررسی مصادیق آن پرداخته می‌شود.

یکی از شایع‌ترین رویکردها، خلق یک عنوان مجرمانه واحد و مشدد از مجموع چند رفتار مجرمانه مرتبط است. در جرایمی نظیر سرقت‌های مشدد موضوع مواد ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴ و ۶۵۶ قانون تعزیرات، این سیاست به وضوح قابل مشاهده است. در این مواد، هرچند رفتارهایی مانند شکستن حرز، تهدید یا جعل عنوان ذاتاً می‌توانند عناوین

مجرمانه مستقلی باشند، اما مقنن با محوریت جرم سرقت و لحاظ ارتباط و تقارن آن‌ها، این رفتارها را به مثابه کیفیات مشدده جرم اصلی تلقی کرده است. در واقع، مقنن به جای اعمال قواعد تعدد مادی، با ادغام این رفتارها در یکدیگر، یک عنوان مجرمانه واحد و مشدد خلق نموده و مجازات آن را به صورت مستقل تعیین کرده است.

در نقطه مقابل این رویکرد، در موارد دیگری، مقنن به صراحت حکم به جمع مجازات‌ها داده تا هرگونه امکان تداخل را منتفی سازد و استقلال کیفری هر یک از جرایم مرتبط را حفظ نماید. نمونه‌های این سیاست را می‌توان در ماده ۶۳۴ (نیش قبر همراه با جرم دیگر)، ماده ۵۴۷ (فرار از زندان همراه با تخریب) و همچنین مواد ۳۴ و ۳۵ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ مشاهده کرد که در آن‌ها، ارتکاب جرایم ثانویه در کنار جرم اصلی، مستوجب مجازاتی مستقل و علاوه بر مجازات جرم پایه است.

این سیاست‌گذاری افتراقی به حوزه جرایم تعزیری محدود نمی‌شود و در قلمرو حدود و قصاص نیز با وضع مقررات خاص تجلی یافته است. در حوزه حدود، تبصره ۲ ماده ۱۳۲ قانون مجازات اسلامی، با پیش‌بینی یک قاعده استثنایی بر اصل جمع، به تداخل مجازات‌ها حکم می‌دهد. مطابق این تبصره، چنانچه دو یا چند جرم حدی «در راستای هم و در یک واقعه» باشند، جرم خفیف‌تر در جرم شدیدتر مستحیل شده و صرفاً مجازات اشد اجرا می‌گردد. تحقق این قاعده منوط به سه شرط تعدد عناوین حدی، وحدت واقعه و وجود رابطه طولی (مقدمه و ذی‌المقدمه) میان جرایم است.

رویکردی مشابه در حوزه قصاص نیز در ماده ۲۹۶ همان قانون اتخاذ شده است. این ماده وضعیتی را پیش‌بینی می‌کند که جنایت عمدی بر عضو، به سبب سرایت، به فوت مجنی‌علیه منجر شود. در اینجا، با وجود تحقق ظاهری دو نتیجه مجرمانه (جنایت بر عضو و قتل)، قانونگذار با تبعیت از مبانی فقهی، از قاعده جمع مجازات‌ها عدول کرده

و با اعمال قاعده تداخل، جنایت خفیف‌تر را در جنایت شدیدتر مستحیل دانسته و مرتکب را تنها به مجازات اشد، یعنی قصاص نفس، محکوم می‌نماید.

اما در مواردی که مقنن سکوت اختیار کرده و راهکار خاصی مشابه مصادیق فوق ارائه نداده است، این خلأ به چالشی جدی برای رویه قضایی بدل شده است. از آنجایی که حکم صریحی در قانون برای این وضعیت‌ها وجود ندارد، در برخی آراء قضایی، دادگاه‌ها با کشف ارتباط ذاتی و تجزیه‌ناپذیر میان جرایم، حکمی متفاوت از قواعد عام تعدد مادی صادر کرده و به مجازات واحد رأی داده‌اند. با این حال، در موضوعات مشابه، آراء دیگری نیز از محاکم صادر شده که با نادیده گرفتن این ارتباط، حکم به تعدد مادی و جمع مجازات‌ها داده‌اند. این امر منجر به شکل‌گیری رویه‌ای متهافت و بروز عدم قطعیت در نظام کیفری شده است. این تنها در رویه قضایی و تشتت آراء را می‌توان در موضوعات مشخصی به وضوح مشاهده نمود. در ادامه، نمونه‌هایی از رویکردهای متعارض محاکم در موضوعات واحد مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- ارتباط میان بزه «نگهداری» و «فروش» مشروبات الکلی: بر اساس یک رویکرد قضایی، رفتار «نگهداری» مشروبات الکلی، مقدمه ضروری و جزئی تجزیه‌ناپذیر از بزه «فروش» تلقی شده و فاقد وصف مجرمانه مستقل است. در نتیجه، این رفتار در جرم غایبی (فروش) مستحیل گشته و دادگاه تنها برای بزه فروش، مجازات تعیین می‌کند. این دیدگاه در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۶۰۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۸ صادره از شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی جزایی تهران تجلی یافته که با استدلال «نگهداری مشروبات الکلی مقدمه فروش می‌باشد»، صرفاً یک مجازات برای متهم تعیین نموده و رأی صادره توسط شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز تأیید شده است. در نقطه مقابل این دیدگاه، برخی محاکم با قائل شدن به استقلال کامل برای هر یک از این رفتارها، آن‌ها را مشمول قواعد تعدد مادی جرم دانسته‌اند. این رویکرد، که در دادنامه شماره ۲۰۰۵۰۷ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹ صادره از شعبه ۱۰۸۸ دادگاه عمومی جزایی تهران و رأی تأییدی آن به شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۴۸۰۰۸۶۹ از شعبه ۴۸ دادگاه

تجدیدنظر استان تهران منعکس است، هر یک از رفتارهای «نگهداری» و «فروش» را به عنوان دو بزه مستقل و تام در نظر گرفته و با نادیده گرفتن ارتباط ماهوی میان آنها، متهم را مستحق اعمال قواعد تعدد مادی می‌داند. رویکرد سومی نیز در این میان وجود دارد که از حیث مبنای استدلالی با دو دیدگاه پیشین متفاوت است. بر اساس این نظر، مجموع رفتارهای ارتكابی یک «بزه واحد» تلقی می‌شود و در نتیجه، تنها یک مجازات برای کل مجموعه رفتارها تعیین می‌گردد. این دیدگاه، که در دادنامه شماره ۹۲۰-۳۹۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۳۰ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی اسلامشهر و رأی تأییدی آن از شعبه ۵۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران متبلور است، به جای تفکیک فیزیکی رفتارها یا مقدمه دانستن یکی برای دیگری، بر وحدت قصد مجرمانه و یکپارچگی «پروژه مجرمانه» تأکید دارد و کلیه افعال مذکور در ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی را اجزای تشکیل‌دهنده یک عنوان مجرمانه واحد می‌داند.

۲- ارتباط میان تهدید و قدرت نمایی با ضرب و جرح: بر اساس یک رویکرد، فعل تهدید و قدرت‌نمایی، مقدمه‌ای تجزیه‌ناپذیر برای تحقق ضرب و جرح تلقی شده و در جرم غایی مستحیل می‌گردد، لذا فاقد مجازات مستقل است. این دیدگاه در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۴۶۵ مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۸ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی ملارد تجلی یافته است؛ در این رأی، دادگاه با این استدلال که متهم بلافاصله پس از قدرت‌نمایی اقدام به ایراد جرح نموده و در واقع دو بزه مستقل رخ نداده است، حکم به برائت وی از اتهام قدرت‌نمایی با چاقو صادر نموده و این رأی توسط شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز تأیید شده است. در تضاد کامل با این دیدگاه، برخی محاکم هر یک از این رفتارها را جرایم مستقل و مشمول قواعد تعدد مادی می‌دانند. چنانکه در دادنامه شماره ۹۰۰۱۰۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۱۶، شعبه ۱۰۱۹ دادگاه عمومی جزایی تهران، جرائم اخلال در نظم عمومی، قدرت‌نمایی با چاقو و ضرب و جرح عمدی را مصداق تعدد مادی جرم تلقی نموده و برای هر یک مجازات جداگانه در نظر گرفته است. نکته قابل تأمل آنکه این رأی نیز به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۱۰۰۶۱۰ از سوی

همان شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورد تأیید قرار گرفته است. این تهاافت آشکار در رویه یک شعبه تجدیدنظر، که در موضوعات مشابه دو رأی متعارض را تأیید نموده، عمق تشتت آراء را به وضوح به نمایش می‌گذارد.

۳- ارتباط میان تهدید و ایراد صدمه بدنی: چالش تفکیک یا ادغام بزه «تهدید» در جرم متعاقب آن، یعنی ایراد صدمه بدنی، نمونه دیگری از تشتت رویه قضایی را به تصویر می‌کشد. لیکن در این مصداق، برخلاف موارد پیشین که تعارض آراء میان شعب مختلف بود، اختلاف نظر در خصوص یک موضوع واحد میان دادگاه بدوی و مرجع تجدیدنظر بروز یافته است. شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری شهرستان قدس در رأی خود، با تفکیک میان دو رفتار، متهم را به دلیل ارتکاب بزه‌های مستقل تهدید و ضرب و جرح عمدی، به مجازات‌های جداگانه محکوم نمود و این دو را مشمول قواعد تعدد جرم دانست. با این حال، شعبه ۴۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، طی دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۱۰۱۶۲۳ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶، این بخش از رأی بدوی را نقض کرده و حکم به برائت متهم از بزه تهدید صادر نموده است. استدلال دادگاه تجدیدنظر بر این مبنا استوار است که با «اجرا شدن مورد تهدید به صورت ایراد صدمه بدنی»، جرم تهدید موضوعیت خود را از دست داده و در واقع منتفی می‌گردد. این رویکرد، که تهدید را مقدمه‌ای مستحیل در جرم اصلی می‌داند و از مجازات مستقل برای آن امتناع می‌ورزد، نشان‌دهنده یک تفسیر غایت‌گرایانه است که بر اساس آن، تحقق جرم شدیدتر، وصف مجرمانه را از رفتار مقدماتی و خفیف‌تر سلب می‌کند.

مقایسه سابقه تقنینی جرایم مرتبط در ایران با نظام‌های حقوقی مصر و عراق نشان می‌دهد که در این کشورها، جرایم مرتبط به‌عنوان تأسیسی مستقل ذیل نهاد تعدد مادی جرم مورد شناسایی قرار گرفته و مقررات ویژه‌ای برای نحوه تعیین و اجرای مجازات این نوع از جرایم وضع شده است. در حالی که در نظام حقوقی ایران، تکلیف جرایم مرتبط به طور شفاف مشخص نشده و همین امر موجب صدور آرای متشتت و گاه متعارض در رویه قضایی کشور شده

است که سعی شد مصادیقی از این آراء متهافت اشاره شود. با این وجود، بررسی تطبیقی برخی از مقررات پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که هرچند قانون‌گذار ایران صراحتاً به نهاد جرایم مرتبط اشاره ننموده است، اما در موارد خاص ارتباط میان جرایم را مفروض دانسته و سیاست کیفری متفاوت و کیفی‌گذاری خاصی را خارج از قواعد عام تعدد مادی پیش‌بینی کرده است.

۲- چارچوب نظری

تحلیل تعاریف و ضوابط ارائه شده توسط حقوقدانان در کشورهای مصر، عراق و ایران، می‌تواند به روشن شدن چارچوب نظری حاکم بر این پدیده پیچیده کمک نماید.

۲-۱- مصر و عراق

به عقیده یکی از حقوقدانان، جرایم مرتبط یکی از شقوق تعدد مادی جرم است که در آن یک نوع ارتباط باعث پیوستگی و پیوند بین چند جرم شده؛ به گونه‌ای که هر یک از جرایم استقلال خود را حفظ می‌کنند (عبدالملک، ۲۰۰۵: ۳۸۵). یکی دیگر از حقوقدانان، جرایم مرتبط را وضعیتی می‌داند که در آن مجرم مرتکب جرایم متعددی می‌شود و میان این جرایم، پیوند و رابطه محکمی برقرار است؛ به گونه‌ای که مجموعه این جرایم به صورت یک کل واحد و غیرقابل تفکیک جلوه می‌کند (خلف، ۱۹۵۴: ۱۰۰). در تعریف دیگر، جرایم مرتبط به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن یکی از جرایم، به عنوان وسیله، مقدمه، یا عامل تسهیل‌کننده برای ارتکاب جرم دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد، یا ارتکاب یکی از آنها با هدف پنهان‌سازی یا تسهیل تحقق جرم دیگر صورت می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که میان جرایم ارتکابی، پیوند و ارتباطی غیرقابل تجزیه وجود داشته باشد (العزوی، ۲۰۱۶: ۵۲). در نگاه یکی از حقوقدانان عراقی جرائم مرتبط، جرایمی هستند که بین آنها یک ارتباط مستقیم و محکم وجود دارد، به نحوی که به صورت قانونی نمی‌توان یکی را از دیگری جدا کرد (البرزکان، ۲۰۰۲: ۴۰۱). اندیشمند دیگر عراقی معتقد

است: «جرائم مرتبط به جرایمی اطلاق می‌شود که هر یک به ظاهر دارای هویت مستقل و مجازات خاص خود هستند، اما مجموعه آن‌ها به واسطه وجود یک رابطه مانند وحدت هدف، ارتباط زمانی یا مکانی یا وسایل ارتکاب چنان به هم پیوسته‌اند که در عمل امکان تفکیک جرائم وجود ندارد. در واقع، این جرائم اگرچه از نظر ظاهری مختلف‌اند، اما وقوع یکی از آن‌ها در تحقق دیگری نقش تعیین‌کننده دارد یا تحقق برخی وابسته به وقوع دیگری است (عوض، ۱۹۷۵: ۳۵). همچنین جرائم مرتبط اینچنین تعریف شده است: «جرایمی که ناشی از اعمالی مرتبط با یکدیگر هستند و هدف واحدی آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد، به گونه‌ای که همگی یک طرح مجرمانه واحد را تشکیل می‌دهند.» (ود و عبد الصاحب، ۲۰۱۸: ۲۳۷).

در مجموع در تعاریف حقوقدانان مصری و عراقی، «جرائم مرتبط» به عنوان یکی از اقسام تعدد مادی جرم، ناظر بر حالتی است که چند فعل مجرمانه مستقل، با وجود پیوند و ارتباطی خاص، به وقوع می‌پیوندند؛ به گونه‌ای که اگرچه هر یک از این جرائم استقلال ماهوی خود را حفظ می‌نمایند، اما مجموعه آن‌ها در پرتو این ارتباط قوی، به صورت یک کل واحد و غیرقابل تجزیه جلوه می‌کند. با این حال، در برخی تعاریف، بر شدت و «تجزیه‌ناپذیری» این پیوند و اهداف مشترک یا وحدت قصد تأکید شده و در برخی دیگر، تنها وجود ارتباط یا پیوند به طور مطلق کافی دانسته شده است. به‌رغم این تفاوت‌ها، این تعاریف با ایراد مهمی مواجه شده‌اند و آن فقدان ارائه شاخص و ضابطه عینی برای تشخیص مرز میان «ارتباط قابل تجزیه» و «ارتباط غیرقابل تجزیه» است؛ به گونه‌ای که صلاحیت تمیز مصادیق جرائم مرتبط عملاً به تشخیص و سلیقه قاضی واگذار می‌شود و این امر، سبب بروز ابهام در تطبیق و تشتت آرا می‌شود. به همین دلیل برخی از حقوقدانان سعی کرده‌اند مقصود از تجزیه‌ناپذیری را در تعریف جرائم مرتبط توضیح دهند.

در خصوص معیار «تجزیه‌ناپذیری» در جرائم مرتبط، دو دیدگاه عمده میان حقوقدانان مطرح شده است. بر اساس دیدگاه نخست، تجزیه‌ناپذیری زمانی محقق می‌شود که تحقق یک جرم لازمی ارتکاب جرم دیگر باشد؛ به بیان

دیگر، وقوع جرم دوم منوط به تحقق جرم اول است و بدون ارتکاب آن، تحقق جرم دوم ممکن نیست. برای مثال، ارتکاب اختلاس توسط کارمند منوط به آن است که وی نخست لیست حقوق را جعل کند، یا طبیعی برای سرقت عضو بیمار، ابتدا او را به قتل برساند (الفیل، ۲۰۰۷: ۱۶۷). همین سازکار در مثال‌های متعدد مشاهده می‌شود؛ از جمله، جایی که مرتکب سندی را جعل می‌کند و از آن برای هدفی خاص استفاده می‌کند. در مورد دیگر، سارق برای پنهان کردن آثار سرقتی که مرتکب شده، مال دیگری را آتش می‌زند. (الغریب، ۲۰۰۹: ۶۳۷).

در ادامه این رویکرد، یکی از حقوقدانان، با الهام از رویه قضایی فرانسه، ملاک تجزیه‌ناپذیری را وجود پیوند محکم و وابستگی متقابل میان افعال مجرمانه دانسته و معتقد است رفتارهای مجرمانه باید چنان به هم متصل و وابسته باشند که تحقق هر یک مشروط و منوط به تحقق دیگری باشد و افعال ارتكابی همچون یک مجموعه منسجم و غیرقابل تفکیک جلوه کنند (عبید، ۱۹۷۹: ۷۴۴). وجه اشتراک هر دو دیدگاه آن است که برای تحقق وصف «تجزیه‌ناپذیری» باید ارتباطی وثیق و انکارناپذیر میان جرایم برقرار باشد، به‌گونه‌ای که ارتکاب یکی بدون دیگری ممکن نباشد. با این حال، اگرچه این معیار در عرصه نظری دارای انسجام و دقت به نظر می‌رسد، اما نمونه‌های مطرح شده — نظیر جعل لیست حقوق برای ارتکاب اختلاس یا قتل بیمار جهت سرقت عضو — از منظر عملی بیانگر پیوند قطعی و اجتناب‌ناپذیر میان دو جرم نیستند؛ زیرا در مثال نخست، کارمند می‌تواند بدون جعل سند، از طریق دیگری حقوق را اختلاس نماید و در مثال دوم نیز طیب لزوماً نیازی به ارتکاب قتل برای سرقت عضو بیمار ندارد. بنابراین، مثال‌های مذکور در تحقق معیار «تجزیه‌ناپذیری» و تبیین مصادیق واقعی جرایم مرتبط چندان دقیق و منطبق با واقع به نظر نمی‌رسند و برای عینیت‌بخشی به این معیار، لازم است تنها مصادیقی مطرح شوند که ارتکاب یک جرم صرفاً و منحصرأ متوقف بر ارتکاب جرم دیگر باشد و هیچ راه جایگزین یا امکان تحقق مستقل برای آن متصور نباشد.

در مقابل رویکرد پیشین که بر پیوند عینی و بُعد ساختاری میان افعال مجرمانه تأکید دارد، گروهی از حقوقدانان مصری و عراقی، «برنامه مجرمانه واحد»^۱ را ضابطه تحقق ارتباط تجزیه‌ناپذیر میان جرایم مرتبط می‌دانند (عوض، ۱۹۸۱: ۷۸۱). مطابق این دیدگاه، شرط اساسی آن است که جرائم ارتكابی حاصل یک اندیشه جنایی مشترک و معطوف به یک هدف یا نتیجه یکسان باشند، به نحوی که همه‌ی افعال مجرمانه تحت یک طرح و نقشه قبلی و با قصد واحد صورت گرفته باشند (ود و عبد الصاحب، ۲۰۱۷-۲۰۱۸: ۲۴۳). حکمت و علت این نظر آن است که زمانی که جرایم متعدد با ارتباطی که قابلیت تجزیه ندارد به هم پیوند می‌خورند، در حقیقت یک طرح مجرمانه واحد را شکل می‌دهند و این جرایم هر یک به منزله ابزارهایی برای اجرای این طرح به کار می‌روند. هدفی که مجرم در پی تحقق آن است، یکی است و اگر می‌توانست این هدف را با ارتكاب تنها یک جرم به دست آورد، به همان بسنده می‌کرد، اما شرایط و دلایل خاصی باعث شده که ناگزیر برای دستیابی به هدفش مرتکب چندین جرم شود (حسینی، ۲۰۱۷: ۹۹۶). بنابراین، جوهره‌ی این رویکرد آن است که وحدت اراده و هدف مجرمانه (وحدت در عنصر روانی) بر کثرت رفتار مادی (کثرت در عنصر مادی) اولویت دارد. از این منظر، زمانی که مجموعه‌ای از جرایم، اجزای تفکیک‌ناپذیر یک «پروژه مجرمانه واحد» باشند، شخصیت مجرمانه و خطر مرتکب نیز باید در قالب همان پروژه واحد سنجیده شود، نه به صورت مجموع جبری خطرات جرایم منفرد. در نتیجه، این دیدگاه با عدول از اصل جمع مجازات‌ها، به دنبال برقراری تناسب میان کیفر نهایی و ماهیت حقیقی پدیده مجرمانه است و طرح مجرمانه را یک جرم در نظر می‌گیرد. با این وجود، اتخاذ قصد واحد به‌عنوان ضابطه تحقق ارتباط تجزیه‌ناپذیر، می‌تواند با دو چالش اساسی مواجه شود: نخست، دشواری اثبات و احراز قصد مشترک و وحدت طرح مجرمانه است که به دلیل ماهیت ذهنی این عناصر، در فرآیند دادرسی ابهام‌برانگیز بوده و ممکن است منجر به صدور آرای متعارض گردد؛ دوم، این احتمال که چند جرم، صرفاً به‌خاطر هدف واحدی ارتكاب یافته باشند، اما در عمل فاقد ارتباط غیرقابل تجزیه و

۱. مشروع إجرامي واحد

پیوند اجتناب‌ناپذیر با یکدیگر باشند. در این صورت، تفسیر گسترده از مفهوم جرایم مرتبط موجب می‌شود این تأسیس قابلیت ضابطه‌مندی و تمایز روشن خود را از دست بدهد و دامنه آن به نحو نامتناسبی توسعه یابد. بدین ترتیب، صرف وحدت قصد جنایی نمی‌تواند به تنهایی معیار مناسبی برای احراز تجزیه‌ناپذیری رابطه میان جرایم محسوب گردد.

التهایه، با توجه به تشتت آرای موجود در مبانی نظری و عدم کفایت تعاریف دکترین برای ارائه یک معیار واحد و قاطع، به نظر می‌رسد تشخیص دقیق ماهیت این نهاد حقوقی، منوط به بررسی ارکان و شرایطی است که کشورهای مورد مطالعه به صراحت یا تلویحاً بیان کرده‌اند. از این رو، برای رفع ابهام از معیارهای دوگانه (عینی و ذهنی) و تعیین تکلیف ضابطه‌نهایی، در ادامه به واکاوی «عناصر تشکیل‌دهنده جرایم مرتبط» در حقوق کیفری مصر و عراق پرداخته خواهد شد تا از این رهگذر، موضع عملی این نظام‌های حقوقی روشن گردد.

۱-۲-۱- عناصر تشکیل‌دهنده جرایم مرتبط

تحقق جرایم مرتبط مستلزم احراز چند رکن اساسی است:

۱-۱-۲-۱- وحدت مجرم؛ نخستین عنصر، یگانه بودن مجرم است. در چارچوب این نظریه، واحد بودن فاعل، شرط تحقق جرایم مرتبط است (حسنی، ۲۰۱۷: ۳۸۸). پس هرگاه مجرمین متعدد در یک جرم مشارکت کنند، وضعیت مشارکت و معاونت در جرم رخ خواهد داد، نه جرایم مرتبط (عبدالعظیم مرسی وزیر، ۱۹۹۹: ۴۷۰). در مورد این شرط، رویه قضایی مصر در بیش از یک رأی، چه به طور صریح و چه به طور ضمنی، تأکید کرده است.^۱ اما این امر به

^۱. دیوان عالی کشور مصر (محكمة النقض والابرام المصرية) چنین رأی داده است که: «استفاده از سند مجعول، نتیجه مورد نظر از ارتکاب جعل است؛ بنابراین هرگاه مرتکب هر دو عمل یک نفر باشد، این دو، جرایمی مرتبط با یکدیگر به‌شمار می‌آیند به گونه‌ای که در واقع یک جرم واحد محسوب می‌شوند و مجازات آن‌ها نیز یکی خواهد بود.» و در رأی دیگری آمده است: «جعل چندین حواله پستی در مکان‌های مختلف و نسبت به اشخاص مختلف، جرایمی متعدد به‌شمار می‌آیند و قاضی ملزم نیست آن‌ها را یک جرم واحد تلقی کند.» جندی عبد الملک، الموسوعة الجنائية، جزء: «عقوبة - قتل - جرح وضرب»، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ص ۲۲۰ - ۲۲۳.

معنای آن نیست که تحقق ارتباط جرایم تنها در صورت وجود یک مجرم ممکن است؛ زیرا ممکن است چند مجرم با یکدیگر توافق کنند تا مجموعه‌ای از جرایم مرتبط را مرتکب شوند. در این صورت، وضعیت مشارکت در جرم با ارتباط بین جرایم قابل جمع است و هیچ تعارضی میان آن دو وجود ندارد.

۱-۲-۲- ارتکاب بیش از یک رفتار مجرمانه: همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد، در آرای حقوقدانان مصری و عراقی، جرایم مرتبط یکی از شقوق تعدد مادی جرم به‌شمار می‌روند (جندی، ۲۰۰۴-۲۰۰۵: ۳۸۵)؛ زیرا تحقق این نوع جرایم مستلزم ارتکاب چند رفتار مستقل و متفاوت مجرمانه است و تنها در فرض وقوع افعال مجرمانه متعدد در عالم خارج می‌توان از تعدد مادی جرم سخن گفت (عوض، ۲۰۰۰: ۶۶۸؛ الحسینی، ۲۰۱۸: ۸۵۷). افزون بر تعدد عنصر مادی، هر یک از عناصر مادی یادشده باید دارای عنصر روانی و عنصر قانونی جداگانه‌ای نیز باشند (سعدی و رمضان، ۱۹۸۹: ۴۷؛ محمود، ۱۹۷۴: ۴۸۱). بنابراین، در مواردی که از یک رفتار واحد، عناوین مجرمانه متعدد یا نتایج متعدد حاصل شود، موضوع از شمول این نوع از جرایم خارج خواهد بود.

۱-۲-۳- ارتباط غیرقابل تجزیه؛ شرط دیگر، وجود ارتباط غیرقابل تجزیه بین این‌گونه جرائم است. توضیح آن که در حقوق عراق و مصر ارتباط بین جرائم، چند صورت دارد. یک حالت، ارتباط قانونی است. در این موارد، قانونگذار جرائمی را به سبب ارتباط غیر ملازم بین آنها، ذیل یک عنوان مجرمانه جرم‌انگاری کرده است (الحسنی، ۲۰۰۷: ۳۳۳). به عبارت دیگر، به لحاظ قانونی برخی از جرایم، وصف مشدد سایر جرایم‌اند و در این موارد، تعدد مادی جرم محقق نمی‌شود، بلکه قانون این مصادیق را جرم واحد محسوب کرده و برای آن یک مجازات در نظر می‌گیرد؛

۱. الارتباط لا یقبل التجزئه

مانند جرم سرقت که با شکستن در همراه باشد^۱ (الحدیثی، ۲۰۰۷: ۴۸۵). مجازات در این جرائم که در حقوق مصر و عراق «الجریمه الموصوفه» یاد می‌شود، به حکم قانون است.^۲

شق دیگر ارتباط میان جرایم، ارتباطی است که در برخی مصادیق تعدد مادی جرم تحقق می‌یابد و خود به دو نوع قابل تقسیم است: قسم اول، پیوند میان جرایم قوی‌تر و شدیدتر است؛ به گونه‌ای که امکان استقلال جرایم را از بین می‌برد و آن‌ها را به عنوان یک واحد غیرقابل تجزیه تبدیل می‌کند. (غریب، ۲۰۰۷: ۲۶۴؛ خلف، ۱۹۵۴: ۱۰۵) قسم دوم، وقتی است که در تعدد جرایم مرتبط ارتباط بین آن‌ها تجزیه‌بردار بوده و قابلیت تفکیک دارد و بین آنها وحدت هدف وجود ندارد (نشأت، ۱۹۹۸: ۳۴۲). در حقوق جزای مصر و عراق، مقصود از «جرایم مرتبط» همان شق اول است؛ یعنی حالتی که ارتباط میان جرایم به نحوی است که استقلال هر یک از آن‌ها منتفی بوده و مجموعه جرایم، یک واحد غیرقابل تجزیه را تشکیل می‌دهند. مطابق ماده ۱۴۲ قانون مجازات عراق: «هرگاه چند جرم که نتیجه افعال متعددی هستند، به وقوع بپیوندند و این جرایم با یکدیگر مرتبط بوده، به گونه‌ای که این ارتباط غیرقابل تجزیه باشد و وحدت هدف، این جرایم را در کنار یکدیگر جمع نماید، در این صورت، باید حکم به مجازات هر یک از جرایم داده شود و شدیدترین مجازات اجرا شود.» همچنین به موجب بند (۲) ماده (۳۲) قانون مجازات مصر: «هرگاه چند جرم با هدف واحد ارتکاب یابد و این جرایم با یکدیگر مرتبط بوده، به

۱. این مصداق به طور مشخص در بند ۴ ماده ۳۱۳ قانون مجازات مصر و بند ۵ ماده ۴۴۳ و همچنین بند ۲ ماده ۴۴۴ قانون مجازات عراق به عنوان یکی از کیفیات مشدده جرم سرقت ذکر شده و مصداق بارز «الجریمه الموصوفه» است. برای مثال، بند ۴ ماده ۳۱۳ قانون مجازات مصر مقرر می‌دارد که یکی از شروط پنج‌گانه برای مجازات حبس ابد در سرقت آن است که: «سارقین از طریق بالا رفتن از دیوار یا شکستن در و مانند آن... به خانه یا منزلی مسکونی یا آماده برای سکونت یا ملحقات آن وارد شده باشند». به همین ترتیب، بند ۵ ماده ۴۴۳ قانون مجازات عراق نیز مقرر می‌دارد: «[سرقت مشدد است] اگر در بانک، مغازه، انبار یا مخزنی ارتکاب یابد که سارق از طریق بالا رفتن از دیوار یا شکستن در یا ایجاد حفره و مانند آن وارد آن شده باشد».

۲. در حقوق ایران، این دسته از جرایم تحت عنوان «جرایم شامل» شناخته می‌شوند که مصادیق آن‌ها در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ذکر شده است. البته، این مصادیق از موضوع بحث ما خارج هستند؛ چرا که قانون‌گذار در این موارد به‌طور حصری برخی وضعیت‌هایی را که میان جرایم ارتباط برقرار می‌شود، بیان کرده و احکام مربوط به آن‌ها را به صراحت تعیین نموده است، بنابراین در چنین مواردی باید مطابق حکم خاص قانون عمل شود. به عنوان مثال مواد ۶۵۱ (سرقت مقرون به پنج شرط مشدد)، ۶۵۲ (سرقت مقرون به آزار)، ۶۵۴ (سرقت دسته‌جمعی شبانه با همراه داشتن سلاح) و ۶۵۶ (سرقت مقرون به یکی از شرایط شش‌گانه)، به وضوح مشاهده می‌شود که قانون‌گذار جرم سرقت را محور قرار داده و رفتارهای دیگر (مانند شکستن حرز، تهدید، یا جعل عنوان) را به عنوان کیفیات مشدده موضوع ماده بیان نموده است. هر یک از این رفتارها ماهیتاً می‌تواند واجد وصف مجرمانه خاص باشد، اما مقنن با لحاظ ارتباط و تقارن زمانی، یک عنوان مجرمانه واحد برای مجموعه آن‌ها پیش‌بینی کرده است.

گونه‌ای که غیر قابل تجزیه باشند، باید تمام این جرایم را جرم واحد در نظر گرفت و مجازات مقرر برای شدیدترین جرم از میان آن‌ها اعمال گردد».

معنای ارتباط تجزیه ناپذیر این است که میان جرایم متعدد، یک ارتباط بسیار قوی وجود داشته باشد، به گونه‌ای که ارتکاب یکی از جرایم منوط به ارتکاب جرم دیگر باشد. بنابراین، صرف وجود ارتباط میان جرایم کافی نیست، بلکه این ارتباط باید به اندازه‌ای قوی باشد که تجزیه این جرایم را غیرممکن سازد (السعدی، ۱۹۸۹: ۷۲؛ مرسی وزیر، ۱۹۸۸: ۲۰۱). شایان ذکر است که قانون‌گذاران مصر و عراق، تعریف روشنی از مفهوم ارتباط تجزیه ناپذیر و معیارهای تشخیص آن ارائه نکرده‌اند و این امر را بر عهده رویه قضایی و دکتترین نهاده‌اند. از این رو، تشخیص عدم تجزیه امری موضوعی محسوب می‌شود (خلف، ۱۹۵۴: ۱۰۵) و بر عهده دادگاه رسیدگی‌کننده به ماهیت دعواست (محکمه الموضوع)؛^۱ این دادگاه با توجه به اوضاع و احوال و وقایع موجود، استدلال خود را ارائه می‌دهد. این تشخیص در حقوق عراق، مورد نظارت دیوان تمییز و در حقوق مصر دیوان نقض قرار نمی‌گیرد (الحسینی، ۲۰۱۸: ۸۵۸؛ فتحی، ۱۹۷۲: ۵۰۸) مگر این‌که بین حقایق پرونده و حکم صادره تعارض قانونی وجود داشته باشد که در این صورت، دادگاه تجدیدنظر صلاحیت دارد تا نسبت به وجود ارتباط یا عدم آن اظهار نظر کند (عوض، ۲۰۰۰: ۷۰۷). بر این اساس، امکان تعیین معیار ثابت و از پیش تعیین‌شده‌ای در این خصوص وجود ندارد.

۱-۲-۴-۱-۱ وحدت هدف؛ غالب حقوقدانان، وحدت هدف را نیز از جمله شرایط تحقق جرایم مرتبط دانسته، معتقدند که دو شرط «وحدت غرض» و «عدم تجزیه»، هم از نظر محتوا با هم فرق دارند و هم هر دو برای تشخیص انواع ارتباط بین جرایم ضروری‌اند؛ چون هم از لحاظ قواعد ماهوی و هم از نظر مقررات آیین دادرسی با هم تفاوت‌هایی

^۱. محکمه الموضوع به دادگاه‌هایی اطلاق می‌شود که در پرونده ورود ماهوی می‌کنند مانند دادگاه بدوی و تجدیدنظر برخلاف دیوان عالی کشور که فقط ورود قانونی می‌کند و روند دادرسی را با قانون تطبیق می‌دهد به همین دلیل به دیوان عالی کشور محکمه القانون اطلاق می‌شود.
^۲. وحدة الغایة

دارند. بنابراین، تلفیق هر دو معیار ضروری به نظر می‌رسد و اتکای صرف به یکی از آنها، تصویری دقیق ارائه نمی‌دهد؛ چرا که ممکن است جرایم از حیث نمود بیرونی، وابسته و مرتبط جلوه کنند، اما جهت اطمینان از ارتباط واقعی آنها، بررسی جنبه ذهنی و انگیزه مرتکب و شناخت هدف ارتکاب ناگزیر خواهد بود، چه بسا در مواردی، جرایم فاقد وحدت غرض باشند. در چنین شرایطی، ادعای مرتکب مبنی بر فقدان ارتباط میان جرایم، قابل طرح بوده و چه بسا موجب بهبود وضعیت حقوقی وی گردد. برای نمونه، شخصی که به قصد سرقت وارد منزلی می‌شود و به طور اتفاقی با دشمن خود مواجه شده و او را به قتل می‌رساند، اگرچه این دو جرم از منظر بیرونی مرتبط به نظر می‌رسند، لکن با تدقیق در قصد و نیت مرتکب، روشن می‌شود که هر یک از این دو جنایت، غرض و هدف مستقلی داشته و یکی مقدمه، وسیله یا سرپوش دیگری نبوده و کاملاً قابل تفکیک هستند (عوض، ۲۰۲۲: ۷۰۳). در نتیجه باید همزمان به هر دو معیار توجه شود: ۱- معیار عینی، یعنی واقعاً از نظر رویدادها این جرایم قابل تفکیک نباشند ۲- معیار ذهنی، یعنی وحدت غرض که از هدف و نیت مرتکب موقع ارتکاب این جرایم فهمیده می‌شود. در بند ۲ ماده ۳۲ قانون مجازات مصر و ماده ۱۴۲ قانون مجازات عراق نیز هر دو عنصر «ارتباط تجزیه‌ناپذیر» و «وحدت هدف» به عنوان شرایط لازم برای تحقق جرایم مرتبط تصریح شده‌اند و هر دو شرط به طور همزمان ضروری شمرده شده‌اند. برخلاف دیدگاه غالب، گروهی از حقوقدانان وجود ارتباط تجزیه‌ناپذیر میان جرایم را برای تحقق عنوان «جرایم مرتبط» کافی می‌دانند و شرط "وحدت هدف" را لازم نمی‌دانند و معتقدند معیار اصلی شناسایی جرایم مرتبط، پیوند ناگسستنی و غیرقابل تفکیک میان افعال مجرمانه است و وحدت هدف، قوام و ماهیت خود را از وجود همان پیوند غیرقابل تجزیه می‌گیرد و ذکر صریح آن ضرورتی ندارد (عبید، ۱۹۷۹: ۷۴۷؛ بکار، ۲۰۰۷: ۷۰؛ مرسی وزیر، ۱۹۸۸: ۲۰۱).

برخی از حقوقدانان بر این باورند که قانون‌گذار مصر و عراق هنگام استفاده از اصطلاح «وحدت غرض»، در واقع منظورشان «انگیزه» بوده است، نه غرض؛ زیرا غرض همان هدف نزدیک یا مستقیم رفتاری است که اراده به سوی

آن جهت می یابد؛ در حالی که انگیزه هدف دور یا غیرمستقیم اراده به شمار می‌رود. به عنوان نمونه، غرض از ارتکاب قتل سلب حیات از مجنی علیه است؛ اما انگیزه قتل بسته به هر مجرم متفاوت خواهد بود. ممکن است انگیزه قتل انتقام‌جویی، رحم بر مقتول یا سرقت اموال وی باشد (جندی، ۲۰۰۵: ۲۲۰). درخصوص رویه قضایی نیز باید گفت که دادگاه‌های کیفری مصر و عراق در آرای متعددی بر لزوم وجود این شرط تأکید کرده‌اند و در این زمینه همواره از واژه «انگیزه» استفاده نموده‌اند (جندی، ۲۰۰۵: ۲۲۰؛ الحسنی و السامرائی، ۱۹۶۹: ۳۶۲).^۱

برآیند تحلیل دیدگاه‌های حقوقدانان مصری و عراقی نشان می‌دهد که «جرائم مرتبط» به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن فاعلی واحد، مرتکب حداقل دو رفتار مجرمانه مستقل می‌شود و این جرائم از طریق پیوندی دوگانه به یکدیگر متصل می‌گردند. این پیوند مستلزم احراز هم‌زمان دو ضابطه است: یکی ضابطه عینی مبتنی بر «ارتباط تجزیه‌ناپذیر» که بر وابستگی ساختاری و مادی جرائم در عالم خارج دلالت دارد و دیگری ضابطه ذهنی ناظر بر «وحدت هدف» که معطوف به یکپارچگی نیت مجرمانه در راستای یک طرح واحد است. بر اساس دیدگاه غالب که در متون قانونی هر دو کشور نیز انعکاس یافته، تحقق این عنوان حقوقی نیازمند آن است که این دو شرط به طور توأمان وجود داشته باشند و البته قانون‌گذار، خود این مجموعه رفتارها را ذیل یک عنوان مجرمانه خاص جرم‌انگاری نکرده باشد.

۲-۲- ایران

^۱. دیوان عالی کشور مصر (محکمه النقض و الإبرام) مقرر داشته است: «هرگاه افسر پاسگاه پلیس مرتکب جنایت شکنجه و حبس و همچنین جنحه ضرب و اعمال زور و فعل دیگری شود، باید این جرائم را به منزله یک جرم واحد تلقی نموده و متهم را فقط به مجازات شدیدتر، یعنی مجازات جنایت، محکوم نمود.» همچنین، دیوان تمییز عالی عراق (محکمه التمییز العراقية) در رأی شماره ۲۱۵۰/جنایات/۶۸ در تاریخ ۱/۲/۱۹۶۹ مقرر داشته است: «اگر متهم مرتکب چندین جرم جعل شود که برخی از آن‌ها با یکدیگر ارتباطی غیرقابل تجزیه دارند و هدف مشترک آن‌ها تحقق یک غرض جنایی واحد، یعنی اختلاس باشد...»

حقوقدانان ایرانی تفسیر و تعریف مختلفی از مفهوم «جرائم مرتبط» ارائه داده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

در نگاه برخی، جرم مرتبط به جرمی گفته می‌شود که با یک جرم مهمتر دیگر رابطه‌ی مستقیم دارد؛ خواه این رابطه مربوط به تهیه‌ی مقدمات جرم مهمتر باشد یا برای مخفی نمودن آثار آن جرم (محسنی، ۱۳۷۸: ۳۲۸). دیدگاه دیگر جرایم مرتبط را جرایمی می‌داند که به لحاظ مادی از هم متمایزند، لیکن در موقع ارتکاب، یک رابطه‌ی منطقی و درونی بین آنها وجود دارد، به طوری که به منزله‌ی یک جرم محسوب می‌شوند و حسب ارتباط شدید و خفیف آنها با یکدیگر، آنها را جرم غیرقابل تقسیم و یا مرتبط می‌نامند (علی آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۶).

در تعریف دیگر، ارتباط جرائم مرتبط فراتر از ارتباط غیر قابل تجزیه در عناصر مادی دانسته شده است. طبق این تعریف، در جرایم مرتبط، دو بزه با یک قصد وقوع می‌یابند. یعنی هرچند که این بزها دارای عناصر مادی و قانونی مستقلی هستند، ولی در رکن روانی با هم مشترک اند. در این صورت از یک سو جدا کردن آنها از یکدیگر موجب می‌شود که یکی از آنها بدون رکن معنوی باشد و از سوی دیگر تجزیه‌ی رکن معنوی واحد به دو بزه نیز امکان‌پذیر نباشد. در نتیجه به نظر می‌رسد، باید این بزها را یک بزه محسوب و مستحق یک کیفر دانست (باهری، ۱۴۰۱: ۴۳۳).

در مورد شرایط و ارکان تحقق جرائم مرتبط نیز همچون تعاریف بالا یک‌دستگی بین محققان حقوقی کشور وجود ندارد. برای تحقق این‌گونه جرائم، وجود برخی از شرایط گریزناپذیر است. یکی از این شرایط، واحد بودن مجرم است. شرط یکی بودن مرتکب جرم برای جدایی تأسیس تعدد جرم از عنوان شرکت و معاونت در جرم ضروری است؛ زیرا در تعدد، دست کم دو عنوان مجرمانه به یک بزه‌کار نسبت داده می‌شود و از آنجا که جرائم مرتبط گونه‌ای از تعدد جرم هستند، یکی بودن بزه‌کار ضروری است (نورائی، ۱۳۹۸: ۴۵).

شرط دیگر تحقق جرائم مرتبط در نگاه برخی از حقوق دانان، تعدد رفتارهای مجرمانه است. برخی معتقدند لازمه‌ی شکل‌گیری تعدد جرم، تعدد افعال مجرمانه و ارتکاب بیش از یک جرم است؛ بنابراین ارتکاب یک فعل در عالم خارج نمی‌تواند تعدد مادی جرم محسوب گردد (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲۲۲). در عین حال، برخی از حقوق دانان معتقدند که در جرائم مرتبط عناصر مادی رفتارهای متعدد محقق می‌شود، درحالی‌که همه‌ی این رفتارها دارای قصد واحدی هستند (باهری، ۱۴۰۱: ۴۳۳). در این راستا، برخی نویسندگان معتقدند با فرض تعدد افعال با وحدت اهداف، در صورتی‌که به شکل تجزیه‌ناپذیر باشد، می‌توان تعدد افعال مجرمانه را نادیده گرفت (ناصری، ۱۳۹۷: ۳۶). در عین حال، نظر غالب و پذیرفته‌شده میان حقوق دانان ایرانی آن است که تحقق جرایم مرتبط، مستلزم ارتکاب حداقل دو جرم مستقل است.

بدین ترتیب با دقت در تعاریف بالا و تطبیق آنها با آرای حقوق دانان مصری و عراقی، چند نکته هویدا می‌شود: در تعاریف حقوق دانان ایرانی مانند حقوق دانان دو کشور دیگر به سه نکته برای تحقق جرائم مرتبط تأکید شده است. اول، برای تحقق جرائم مرتبط، فاعل این جرائم باید یک فرد باشد. دوم، تحقق عنوان جرایم مرتبط، منوط به ارتکاب دست‌کم دو رفتار مجرمانه است. به عبارت بهتر، باید عناصر سه‌گانه‌ی بیش از یک جرم توسط فرد ارتکاب یابد تا این‌گونه جرائم محقق شوند. سوم، ضرورت وجود یک رابطه یا پیوند ویژه میان جرایم برای تحقق عنوان «جرایم مرتبط».

یکی از نقاط افتراق اساسی میان رویکرد حقوق دانان ایرانی و دکترین حقوقی کشورهای مصر و عراق آن است که تعاریف ارائه‌شده توسط حقوق دانان ایرانی، اغلب در تبیین ماهیت و ضابطه احراز «ارتباط» دچار کلی‌گویی هستند. در حالی‌که دکترین حقوقی مصر و عراق با ارائه معیارهای مشخصی همچون «ارتباط تجزیه‌ناپذیر» و «وحدت هدف»، به دنبال تحدید مفهوم و تعیین مصادیق آن بوده‌اند، در تعاریف حقوق دانان ایرانی نوع دقیق رابطه میان جرایم

و معیار تحقق آن به روشنی تبیین نشده است. این ابهام، پرسش بنیادین را بی پاسخ می گذارد: آیا هرگونه پیوندی میان جرایم برای تحقق وصف ارتباط کافی است، یا باید همانند رویکرد حقوق مصر و عراق، تنها به دنبال نوع خاصی از ارتباط با ویژگی های تعریف شده بود؟

افزون بر فقدان معیار مشخص برای نوع ارتباط، در این تعاریف به موارد خروج و مصادیقی که جرایم مرتبط محسوب نمی شوند مانند «جرایم شامل» نیز اشاره نشده است، امری که می تواند بر پیچیدگی تفسیر و اجرای مقررات در این زمینه بیفزاید. شاید بتوان گفت عدم جرم انگاری جرائم مزبور در قوانین ایران، علت اصلی عدم جامعیت و مانعیت تعاریف بوده است. در مجموع، با در نظر گرفتن این ملاحظات، به نظر می رسد الگوی تحلیلی مستخرج از دیدگاه های غالب حقوق مصر و عراق که بر دو ضابطه عینی (ارتباط تجزیه ناپذیر) و ذهنی (وحدت هدف) استوار است، می تواند به عنوان چارچوبی کارآمد برای شناسایی جرایم مرتبط و تدوین تعریفی دقیق در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار گیرد.

همانطور که اشاره شد، کلی گویی و فقدان یک معیار متفق علیه در تعاریف حقوقدانان ایرانی، این حوزه را با ابهام مفهومی مواجه ساخته است. این ابهام، به طور مستقیم به تشتت در رویکردها نسبت به ماهیت حقوقی و در نتیجه، نحوه کیفردهی این جرایم منجر شده است. در واقع، بسته به اینکه یک حقوقدان ماهیت این جرایم را چگونه تفسیر کند، آن را ذیل یکی از نهادهای موجود حقوق جزا طبقه بندی کرده و آثار متفاوتی بر آن بار می کند. در دکترین حقوق ایران، می توان سه رویکرد اصلی را در این خصوص شناسایی کرد که هر یک بر مبنای تلقی متفاوتی از این جرایم شکل گرفته اند:

۲-۲-۱- جرائم مرتبط به مثابه تعدد مادی جرم

دیدگاه نخست در خصوص نحوه تعیین مجازات جرایم مرتبط، قائل به تسری قواعد تعدد مادی به این نوع از جرایم است. بر اساس این رویکرد، جرایم مرتبط از حیث مجازات، مشمول مقررات تعدد مادی جرم مذکور در ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی است. به بیان دقیق‌تر، مطابق این دیدگاه، هرچند هر یک از جرایم ارتكابی، مسئولیت کیفری مستقلی را برای مرتکب ایجاد می‌کند، اما در مقام کیفردهی، به جای جمع تمام مجازات‌ها، دادگاه برای هر جرم مجازات تعیین کرده و در نهایت مطابق بند «ث» این ماده، صرفاً مجازات اشد را به اجرا درمی‌آورد. این دیدگاه برای اثبات ادعای خود دلائلی به شرح زیر ارائه داده است:

اول- مقنن برای جلوگیری از ارتكاب یک‌سری جرائم مهم، جرائم مقدماتی آنها را جرم‌انگاری کرده است. به عنوان مثال، برای جلوگیری از اعتیاد، تهیه مواد مخدر را منع کرده است. حال اگر فرد تهیه‌کننده و مصرف‌کننده‌ی مواد مخدر را تنها به مجازات مصرف مواد مذکور مجازات شود، غرض مقنن حاصل نخواهد شد (بسامی، ۱۳۹۹: ۸۷).

دوم- اصل بر عدم تداخل مجازات‌ها است. با این توضیح که در صورت ارتكاب چند رفتار مجرمانه توسط یک فرد، هر رفتاری مقتضی مجازاتی مستقل و جداگانه است و طبق اصل اولیه، مجازات‌های این جرائم باید تجمیع شوند (ذاکر حسین، ۱۳۸۸: ۳۰). بنابراین، در جرائم مرتبط نیز که فرد مرتکب چند رفتار مجرمانه می‌شود، هر رفتاری مستحق مجازاتی مستقل است.

سوم- با ملاحظه‌ی موارد جرائم مرتبط در قوانین ایران، از جمله مواد (۶۳۴) و (۵۴۷) قانون تعزیرات، می‌توان به این نتیجه رسید که تمایل مقنن به اعمال قاعده‌ی تعدد مادی در جرائم مزبور است. (قیاسی، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

۲-۲-۲- جرائم مرتبط به مثابه تعدد اعتباری جرم

دیدگاه دوم در خصوص نحوه تعیین مجازات جرایم مرتبط، قائل به تسری قواعد تعدد معنوی به این نوع از جرایم است. طبق این دیدگاه، در صورت ارتكاب جرائم مرتبط، تعدد معنوی یا اعتباری صدق می‌کند و جزای اشد بر

مرتکب بار می‌شود. به عنوان مثال، کسی که خمر تهیه و شرب کرده است، تنها به مجازات شرب خمر محکوم می‌شود. به عقیده‌ی قائلان این دیدگاه، جرائم مرتبط در قالب یک رفتار واحد و مقارن با هم ارتکاب می‌یابند. بنابراین، می‌توان آنها را در عداد تعدد اعتباری محسوب کرد (حبیب زاده، ۱۳۷۴: ۱۸۰).

اما باید دانست که فرض آن است که هنگام ارتکاب جرائم مرتبط، فرد مرتکب چند عمل مجرمانه می‌شود که به لحاظ عناصر متشکله‌ی آنها، به صورت مجزا و مستقل از هم به وقوع پیوسته‌اند. بنابراین، تصور تعدد معنوی در جرائم مرتبط، اساساً خلاف فرض و تعاریف حقوق‌دانان از جرائم مرتبط است.

۲-۲-۳- جرائم مرتبط به مثابه جرم واحد

رابطه‌ی منطقی و درونی بین این‌گونه جرائم موجب می‌شود که این جرائم بر حسب ارتباط شدید با یکدیگر به منزله‌ی جرم واحد محسوب شوند و لذا یک مجازات اعمال گردد (علی آبادی، ۱۳۹۲: ۲۵۶). به عنوان مثال، نگهداری مقداری مواد مخدر گرچه خود جرم مستقلی است، ولی لازمه‌ی استعمال آن مواد است. در جرم قاچاق نیز قاچاقچی بالضروره باید کالای قاچاق را حمل کند که در این مورد نیز حمل کالای قاچاق، یک جزء ضروری و لاینفک جرم قاچاق است. چنین دیدگاهی، جرائم مرتبط را به مثابه یک جرم لحاظ کرده است و در نتیجه، فاعل آنها را مستحق مجازات اشد میان جرائم ارتكابی می‌داند.

دلیل اول این دیدگاه، قائل شدن به وحدت قصد در جرائم مرتبط است. با این استدلال، تنها یک قصد در طرح مجرمانه‌ی جرائم مرتبط وجود دارد و به همین خاطر، جداسازی آنها از یکدیگر ممکن نیست؛ زیرا چنین تفکیکی موجب می‌گردد که یا یکی از آنها بدون عنصر روانی تصور شود و یا تجزیه رکن معنوی بزه واحد نسبت به دو بزه لازم آید که هر دو امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، ناگزیر باید این بزه‌ها را واحد محسوب کرد و یک کیفر مستقل برای آنها در نظر گرفت (باهری، ۱۴۰۱: ۴۳۳)؛ زیرا در جرائم مرتبط، دو بزه با یک نیت مجرمانه ارتکاب می‌یابد.

از آنجا که این سوء نیت مربوط به عمل مقدماتی و تبعی نبوده و تنها مربوط به جرم اصلی است، عمل تبعی، فاقد عنصر روانی در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه، به عنوان جرم، تکوین نیافته است. بنابراین، تعدد جرم در این موارد منتفی است. به عنوان مثال، در فرضی که شخصی برای قرار دادن تریاک در ملک دیگری و اتهام‌زنی به او، درب آن مکان را می‌شکند و وارد می‌شود، عمل تخریب (شکستن درب) به دلیل فقدان سوء نیت مستقل، جرمی جداگانه محسوب نمی‌شود (نوربها، ۱۴۰۲: ۴۵۲). به نظر می‌رسد این استدلال تمام نیست. به عقیده‌ی مخالفان این دیدگاه، در ارتکاب این جرائم، ارکان تشکیل‌دهنده‌ی همه‌ی آنها به صورت مستقل شکل می‌گیرند و قصد مجرمانه نیز در هر کدام از آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، مجرم از نیت سوء برای ارتکاب تک تک اعمال خود در این گونه جرائم برخوردار است؛ مثلاً اطلاع داشته که برای ورود غیر مجاز به منزل دیگری باید درب آن را تخریب کند و همین اندازه از آگاهی، برای تحقق سوء نیت کافی است (رایجیان، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۹). به علاوه، می‌توان گفت فرض تحقق جرائم مرتبط، ارتکاب چند جرم توسط یک فاعل است. حال اگر ارکان برخی از این جرائم شکل نگرفته باشد، جرائم مرتبط محقق نمی‌شود.

دلیل دوم این دیدگاه، به هم پیوستگی جرائم مرتبط است. با این توضیح که جرائم مرتبط، یک طرح مجرمانه‌اند که هر یک جزئی از این طرح است و مرتکب برای رسیدن به مقصدی واحد ناگزیر به ارتکاب همه‌ی آنهاست. در صورتی که اگر آن هدف واحد نباشد یا هدف با یکی از این اعمال محقق شود، جرم دیگر را مرتکب نخواهد شد (باهری، ۱۴۰۱، ۴۳۴). باید توجه کرد که کانون توجه این دیدگاه در خصوص جرائم مرتبط، به هم پیوستگی این جرائم هنگام تحقق و دنبال کردن هدف واحد توسط همه‌ی آنهاست. به عبارت روشن‌تر، درست است که به دقت عقلی می‌توان جرائم مرتبط را از هم تجزیه کرد و فروضی را تصور کرد که یکی بدون دیگری تحقق یافته است؛ لیکن طبق عرف و عادت، در مواردی، مجموعه‌ای از جرائم تحت یک طرح و برای رسیدن به مقصدی واحد تحقق می‌یابند. به عبارت روشن‌تر، گرچه در مقام نظر تفکیک این‌ها و منوط کردن تحقق آن‌ها به یکدیگر به دقت عقلی،

درست باشد، اما عادتاً و در خارج تحقق آنها با هم صورت می‌گیرد. همین به هم پیوستگی قاضی را بر آن می‌دارد که همه را تحت یک عنوان ملاحظه و کیفردهی کند.

دلیل سوم این دیدگاه، این است که در برخی از جرائم مرتبط، یک جرم نتیجه‌ی منطقی جرم دیگری است. به عنوان مثال، پول‌شویی اموال به دست آمده از اختلاس، انتظار معقولی است که از مختلس می‌رود. بنابراین، نمی‌توان این نوع را چند جرم و مستحق چند مجازات دانست (باهری، ۱۴۰۱، ۴۳۴).

در پاسخ گفته شده به حکم عقل و عرف لزومی به تحقق جرم دوم بعد از ارتکاب جرم اصلی وجود ندارد و می‌توان سارقی را تصور کرد که بعد از سرقت اموال مسروقه را به فروش نرسانده باشد. به عبارت دیگر، بین جرم اصلی و جرم نتیجه ملازمه‌ای در تحقق وجود ندارد (پورهمایون، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۶). به علاوه، مقتضای عدالت و انصاف این است که مرتکب جرائم مرتبط باید مسئولیت همه‌ی رفتارهای ارتكابی خود را بپذیرد و سلب مسئولیت از این شخص به علت ارتباط بین جرائم، امری نامعقول و ناعادلانه است (قیاسی، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

در این مورد نیز می‌توان گفت پاسخ، همان پاسخ اشکال استدلال دوم است. یعنی درست است که در برخی از موارد جرائم مرتبط ملازمه‌ای به دقت عقلی وجود ندارد، ولی عادتاً و در اغلب موارد، نوعی از جرائم با هم محقق می‌شوند. به عنوان مثال، کارمندی که مرتکب اختلاس می‌شود، در اغلب موارد مرتکب پول‌شویی می‌شود، گرچه ممکن است با دقت عقلی مواردی فرض شود که این مرتکب، بعد از ارتکاب بزه اول، دچار جرم دیگری نشود.

توضیح این‌که در این موارد یک ملازمه‌ی عرفی وجود دارد، به گونه‌ای که عرف تحقق جرم تبعی را منوط به تحقق و در راستای جرم اصلی می‌داند. برای مثال، فردی که مقادیری مواد مخدر وارد کشور می‌کند، بعد از فروش آنها، ناگزیر باید برای جلوگیری از ردیابی، سود حاصله را از طریق پولشویی، تصاحب کند. یا فرد مخل نظام اقتصادی از طریق قاچاق ارز، بالملازمه اموالی را از طریق نامشروع تحصیل می‌کند. در این موارد شاید بین جرم اصلی و

جرم تبعی با دقت عقلی ملازمه‌ای نباشد. به این صورت که فرد واردکننده‌ی مواد مخدر، در همه‌ی موارد بعد از تصاحب مال مرتکب پولشویی نشود. همچنین امکان دارد اخلال‌گر نظام اقتصادی از طریق مذکور، به انگیزه‌ی انتقام از نظام مرتکب این بزه شود، نه برای تصاحب مال. ولی عرف حکم می‌کند که در غالب این موارد، جرائم تبعی به تبع جرائم اصلی ارتکاب می‌یابند. مثلاً فردی که مرتکب بزه اخلال در نظام اقتصادی از طریق قاچاق ارز می‌شود، در اغلب موارد برای تحصیل مال نامشروع، خود را در معرض چنین خطری قرار می‌دهد. بنابراین، عرف در این موارد، ملازمه‌ای بین ارتکاب جرائم اصلی و تبعی می‌بیند و موارد ناچیزی را که در آنها جرم اصلی بدون جرم تبعی محقق می‌شود، کالعدم می‌داند.

به‌علاوه، می‌توان گفت این اشکال تنها بر اثبات ادعا در برخی از جرائم مرتبط وارد است. در برخی از این جرائم ملازمه‌ای عقلی بین جرم تبعی و اصلی نیست. اما در برخی دیگر از این جرائم، پیوند جرم اصلی با جرم یا جرائم تبعی به صورت لازم و ملزوم است. به گونه‌ای که جرم اصلی بدون تحقق جرم تبعی امکان وقوع ندارد. مثلاً در جرم ورود مواد مخدر به کشور، این جرم با جرم نگهداری و حمل مواد مخدر چنین ملازمه‌ای دارد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت، در حالت تحقق ارتباط به نحو ملازمه عقلی باید این جرایم مرتبط را در قالب یک طرح مجرمانه واحد در نظر گرفت. در این وضعیت، ارتباط میان رفتارهای مجرمانه موجب می‌شود که مجموعه اعمال ارتكابی، از جهت مسئولیت کیفری، به‌مثابه ارتكاب یک جرم واحد ارزیابی شوند. در نتیجه، اصل بر اعمال یک مجازات نسبت به مرتکب خواهد بود؛ مجازاتی که از حیث شدت، باید میان دو وضعیت افراط و تفریط قرار گیرد؛ بدین معنا که نه همانند فروض ارتكاب صرف یک جرم، خفیف باشد و نه همچون موارد تعدد مادی، تشدید مجازات‌های جرائم تحقق‌یافته را دربر گیرد. مطابق دیدگاه‌های ارائه‌شده در نظام‌های حقوقی مصر و عراق، به نظر می‌رسد منطقی‌ترین راهکار، انتخاب و اعمال شدیدترین مجازات مقرر در میان جرایم ارتكابی باشد تا ضمن حفظ جنبه بازدارندگی و تناسب مجازات، از تحمیل مجازات مازاد نیز اجتناب شود.

ممکن است ایراد شود که با توجه به اصلاحات اخیر قانون مجازات اسلامی و حاکمیت قاعده «اجرای مجازات اشد» در تعدد مادی (موضوع بند «ث» ماده ۱۳۴)، تفکیک نهاد «جرایم مرتبط» از تعدد مادی عملاً فاقد فایده است؛ چرا که در هر دو حالت، مرتکب نهایتاً متحمل مجازات جرم شدیدتر می‌شود. در پاسخ باید گفت این پندار ناشی از خلط میان مرحله «تعیین کیفر» و «اجرای کیفر» است. اولاً در تعدد مادی، دادگاه مکلف به تعیین مجازات مستقل برای تک‌تک جرایم و تشدید آن‌ها است، حال آنکه در نظریه جرایم مرتبط، به دلیل یگانگی طرح مجرمانه و عدم تجزیه‌پذیری رفتار، اساساً موجبی برای تشدید مجازات وجود ندارد و مرتکب صرفاً به «مجازات قانونی» جرم اشد (بدون تشدید) محکوم می‌شود. ثانیاً و مهم‌تر آنکه تفاوت بنیادین در چگونگی اجرای حکم ظاهر می‌شود؛ در تعدد مادی، مطابق ذیل بند «ث» ماده ۱۳۴، چنانچه مجازات اشد به دلیلی مانند گذشت شاکی، نسخ قانون یا عفو غیرقابل اجرا گردد، نوبت به اجرای «مجازات اشد بعدی» می‌رسد (زوال مجازات اول، موجب احیای مجازات دوم است)، اما در نهاد جرایم مرتبط، با توجه به استحاله جرایم مقدماتی در جرم غایی و تلقی آن‌ها به‌عنوان یک «واحدی جزایی»، با انتفای مجازات جرم اشد، اجرای مجازات‌های دیگر مستتر در آن نیز منتفی شده و موضوعاً مجالی برای اجرای مجازات بعدی باقی نمی‌ماند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این پرسش بنیادین سامان یافت که «نظام کیفری ایران در مواجهه با جرایم متعددی که دارای پیوند عمیق و غیرقابل تجزیه هستند، چه رویکردی باید اتخاذ کند؟». یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی حقوق ایران با کشورهای مصر و عراق نشان می‌دهد که فقدان نهاد «جرایم مرتبط» در قوانین کیفری ایران، منجر به تشتت آرا و بعضاً صدور احکام ناعادلانه بر مبنای قواعد «تعدد مادی» شده است.

در پاسخ به سوال اصلی پژوهش و در مقام جمع‌بندی ارکان تشکیل‌دهنده این نهاد، باید اذعان داشت که برخلاف برخی برداشت‌های متشتت، «جرایم مرتبط» ماهیتی مرکب از عناصر عینی و روانی دارند. تحلیل انتقادی مواد قانونی کشورهای مصر (ماده ۳۲) و عراق (ماده ۱۴۲) و تطبیق آن با اصول حقوقی، ما را به این نتیجه می‌رساند که برای تحقق این عنوان، صرف وجود رابطه مادی میان جرایم کافی نیست؛ بلکه جمع دو رکن اساسی ضروری است:

۱. رکن مادی (رابطه لازم و ملزوم): میان جرایم ارتكابی باید چنان پیوند تنگاتنگی برقرار باشد که عقلاً وقوع یکی بدون دیگری دشوار یا ناممکن باشد.

۲. رکن روانی (وحدت هدف): برخلاف برخی تحلیل‌ها که نقش قصد واحد را نادیده می‌گیرند، این پژوهش اثبات می‌کند که «وحدت هدف و طرح مجرمانه» شرط قوام‌بخش جرایم مرتبط است. در واقع، آنچه چندین رفتار مادی مستقل را به یک «پروژه مجرمانه واحد» تبدیل می‌کند، همین یگانگی هدف مرتکب است.

در خصوص نحوه کیفردهی، دو نظریه رقیب در حقوق ایران قابل تصور است: نخست، اعمال قواعد «تعدد مادی» (اعمال مجازات اشد با تشدید) و دوم، تلقی مجموعه رفتارها به عنوان «جرم واحد».

نظریه نخست به دلیل نادیده گرفتن پیوند غیرقابل تفکیک میان برخی جرایم و تحمیل مجازاتی نامتناسب و فراتر از استحقاق بزهکار، مردود است. از سوی دیگر، تعبیر این جرایم به «طرح مجرمانه واحد» به معنای نفی استقلال

ارکان مادی آن‌ها نیست؛ بلکه با پذیرش وصف «عدم قابلیت تجزیه» میان برخی جرایم، به جای تشدید مجازات‌ها، مرتکب تنها به مجازات جرمی که کیفر آن شدیدتر است محکوم می‌شود. بنابراین، رویکرد صحیح آن است که بگوییم در جرایم مرتبط، اگرچه به لحاظ مادی با تعدد جرم روبرو هستیم، اما به لحاظ حقوقی و سیاست کیفری، با یک «واحدی جزایی» مواجهیم که مقتضی برخورد واحد است.

لذا خلأ موجود در قانون مجازات اسلامی که دست قاضی را برای اعمال سلیقه‌ای قواعد تعدد مادی باز گذاشته است، با عدالت کیفری و اصل تناسب جرم و مجازات سازگار نیست. راهکار برون‌رفت از این چالش، نه توسل به تفسیرهای موسع، بلکه مداخله تقنینی صریح با الهام از الگوی موفق نظام‌های حقوقی مورد مطالعه است.

پیشنهاد تقنینی

با توجه به اینکه هم‌اکنون در قانون مجازات اسلامی نسبت به جرایم مرتبط خلأ قانونی وجود دارد و رویه قضایی نیز فاقد وحدت رویه است، پیشنهاد می‌شود ماده‌ای مستقل ذیل مبحث تعدد جرم (ترجیحاً پس از ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی) به شرح زیر الحاق گردد:

متن پیشنهادی:

«هرگاه شخصی مرتکب رفتارهای مجرمانه متعددی شود که هر یک دارای عنوان مستقل قانونی است، اما میان آن‌ها به لحاظ عقلی چنان ارتباط و ملازمه‌ای وجود دارد که تجزیه‌ناپذیر بوده و همگی در راستای یک هدف و طرح مجرمانه واحد ارتکاب یافته‌اند؛ در صورتی که قانون‌گذار برای مجموع این اعمال عنوان خاصی تعیین نکرده باشد، مرتکب تنها به مجازات جرمی که کیفر آن شدیدتر است محکوم می‌شود.»

فهرست منابع و مآخذ

الف - منابع فارسی

۱. افراسیابی، محمداسماعیل (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی، جلد سوم، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات میزان.
۳. باهری، محمد (۱۴۰۱). نگرشی بر حقوق جزای عمومی، چاپ بیستم، تهران: انتشارات مجد.
۴. بسامی، مسعود (۱۳۹۹). «تحلیل وضعیت مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر در حقوق کیفری ایران»، پژوهش حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۳۳.
۵. پورهمایون، غلامرضا (۱۳۸۳). «تحلیل رابطه بین جرایم مقدم و مؤخر (جرایم مرتبط)»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۷.
۶. حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۷۴). کلاهبرداری در حقوق ایران، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه شاهد.
۷. ذاکر حسین، محمدهادی (۱۳۸۸). «چشم انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی»، نشریه دادرسی، شماره ۷۳.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۲). «تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۲۸ و ۲۹.
۹. زراعت، عباس (۱۴۰۰). شرح قانون مجازات اسلامی: بخش کلیات، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۰. شیخ‌الاسلامی، عباس (۱۴۰۲). تعدد جرم؛ نظریه و رویه‌ها، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
۱۱. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). حقوق جنایی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۲. محسنی، مرتضی (۱۳۷۸). دوره حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. ناصری، رضا (۱۳۹۷). پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی مبانی فقهی و حقوقی مواد قانونی ناظر به تعدد جرایم حدی در قانون مجازات اسلامی»، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده علوم انسانی.
۱۴. نوربها، رضا (۱۴۰۲). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.

١٥. نورايي، يوسف (١٣٩٨). اقسام و شرايط تحقق تعدد جرم تعزيري در حقوق كيفري ايران و مصر، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

ب- منابع عربي

١. ابراهيم، اكرم نشأت (١٩٩٨). القواعد العامه في قانون العقوبات المقارن، بغداد: الدار الجامعيه للطباعة و النشر.
٢. أبو عامر، محمد زكي و القهوجي، على عبد القادر (بي تا). قانون العقوبات (القسم العام)، بيروت: الدار الجامعيه للطباعة و النشر.
٣. البزركان، عبد الستار (٢٠٠٢). قانون العقوبات القسم العام بين التشريع و الفقه و القضاء، ط ١، [بي جا]: [بي نا].
٤. الحسني، عباس (٢٠٠٧). شرح قانون العقوبات العراقي الجديد، القسم العام، [بي جا]: [بي نا].
٥. الحسني، عباس و السامرائي، كامل (١٩٦٩). الفقه الجنائي في قرارات محاكم التمييز (المدنية - العسكرية - أمن الدولة)، المجلد الثالث: جرائم الاعتداء على الأموال، بغداد: مطبعة الارشاد.
٦. الحسيني، عمار عباس (٢٠١٨). «القيود والاستثناءات التي ترد على قاعدة تعدد العقوبات (دراسة مقارنة بين القانون الوضعي و الفقه الاسلامي)»، مجلة كلية التربية الأساسية للعلوم التربوية و الإنسانية، جامعة بابل، عدد ٤١.
٧. الدقاق، شكري (بي تا). تعدد القواعد و تعدد الجرائم في ضوء الفقه و القضاء، اسكندريه: دار الجامعات المصريه.
٨. الزعبي، خالد حميدى و الحديثي، فخرى عبدالرزاق (٢٠٠٩). شرح قانون العقوبات (القسم العام)، ط ١، [بي جا]: دار الثقافة للنشر و التوزيع.
٩. السعدي، حميد و باره، محمدرمضان (١٩٨٩). التكييف القانوني في المواد الجنائية (دراسة مقارنة) في موضوع تعدد الجرائم و تنازع الاوصاف، ليبيا: مجمع الفاتح للجامعات.
١٠. العزاوي، ايمان عبدالله احمد (٢٠١٦). تعدد الجرائم و اثره في الاجراءات الجزائية، ط ١، مصر: مطبعة المركز العربي.
١١. الغريب، محمد عيد (٢٠٠٩). الأحكام العامة في قانون العقوبات (القسم العام)، [بي جا]: جهاز الدعم لكلية الحقوق.

١٢. الفيل، على عدنان (٢٠٠٧). «ارتباط الجرائم فى الشريعة الإسلاميه و التشريع الجنائى الوضعى»، مجله جامعه الازهر - غزه، سلسله العلوم الانسانيه، مجلد ٩، عدد ١.
١٣. بكار، حاتم حسن (٢٠٠٧). الاثار القانونيه للارتباط بين الافعال الاجراميه، الاسكندريه: مطبعه القدس.
١٤. بن يونس، فريده (٢٠١٧). تعدد الجرائم و اثره على العقوبات و الاجرائات الجزائيه فى القانون الجزائى، الجزائر: جامعه محمد بوضياف.
١٥. بهنام، رمسيس (١٩٩٧). النظرية العامه للقانون الجنائى، اسكندريه: منشأة المعارف.
١٦. حسنى، محمود نجيب (٢٠١٧). شرح قانون العقوبات القسم العام، ط ٨، اسكندريه: دارالمطبوعات الجامعيه.
١٧. خلف، على حسين (١٩٥٤). تعدد الجرائم و اثره فى العقاب، ط ١، مصر: دارالفكر العربى.
١٨. سرور، احمد فتحى (١٩٧٢). اصول قانون العقوبات القسم العام، قاهره: انتشارات الاستقلال الكبرى.
١٩. شهاب، باسم (٢٠١١). تعدد الجرائم و آثاره الاجرائيه و العقابيه، دراسه مقارنه، الجزائر: دار بيرتى.
٢٠. عبدالملك، جندى (٢٠٠٥). موسوعه فى القانون الجنائى، ج ١، ط ١، بيروت: مطبعه العلم للجميع.
٢١. عبيد، رثوف (١٩٧٩). مبادئ القسم العام من التشريع العقابى، ط ٤، [بى جا]: دارالفكر العربى.
٢٢. عوض، محمد محى الدين (١٩٨١). القانون الجنائى، اجراءاته، [بى جا]: [بى نا].
٢٣. غريب، عصام احمد (٢٠٠٧). تعدد الجرائم و اثره فى المواد الجنائيه، دراسه مقارنه، ط ٣، الاسكندريه: منشاه المعارف.
٢٤. محمد، عبود عبدعلى (١٩٧٥). تعدد الجرائم، بغداد: دار القلم.
٢٥. محمد، عوض (٢٠٢٢). قانون العقوبات القسم العام، ط ٢، اسكندريه: دارالمطبوعات الجامعيه.
٢٦. محمود، محمود مصطفى (١٩٧٤). شرح قانون العقوبات القسم العام، ط ٩، قاهره: جامعه القاهره.
٢٧. ود، تميم طاهر و عبد الصاحب، حسين (٢٠١٨). شرح قانون اصول المحاكمات الجزائيه، بغداد: المكتبة القانونيه.
٢٨. وزير، عبدالعظيم مرسى (١٩٨٨). عدم التجزئه و الارتباط بين الجرائم و اثره فى الاختصاص، القاهره: دار النهضه العربيه.